

نامه‌های رسیده

بسمه تعالی

ریاست محترم سازمان جناب آقای دکتر اژه‌ای

با سلام

احتراماً، اینجانب حمید-م. ولی دانش‌آموز سینا-م. که در دوران راهنمایی و سال اول و دوم متوسطه در دبیرستان علامه حلی (تهران) اشتغال به تحصیل داشته است، به استحضار می‌رساند که بواسطه دوری راه و مسائل مرتبط با آن، فرزند خویش را در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ در کلاس سوم متوسطه در دبیرستانی نزدیک محل سکونت ثبت نام نمودم و ایشان از مهر ماه سال جاری در آن دبیرستان (شهید مطهری) مشغول به تحصیل می‌باشند.

لیکن بواسطه مسائلی نظیر تغییر محیط آموزشی و عدم درک متقابل بین اولیاء و دانش‌آموزان دبیرستان با فرزند اینجانب، ایشان دچار افسردگی و افت تحصیلی شده‌اند. زیرا همواره محیط و فضای آموزشی پویا و سرشار از رفاقت و موج علمی موجود در مدارس سازمان را در مد نظر دارند. لذا از آن برادر ارجمند، تقاضا دارم به منظور پیش‌گیری از افت تحصیلی بیشتر و بازگشت به شرایط روحی و آموزشی گذشته که طی پنج سال گذشته، روحیه‌ای با طراوت و سرزنده و پویا را برای فرزندم به همراه داشته، موافقت فرمایند تا نسبت به مراجعت و ثبت نام مجدد ایشان در کلاس سوم متوسطه دبیرستان

علامه حلی (تهران) اقدامات مقتضی معمول گردد.

پیشاپیش از التفات و بذل توجه آن برادر بزرگوار قدردانی و سپاسگزاری می‌نمایم.

و من الله التوفیق
حمید م.

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

پدر عزیز تمام سمپادی‌ها، جناب آقای دکتر اژه‌ای:

با عرض سلام و اهدای ادب و احترام، لطفاً ما را از فرسنگ‌ها دور که از جاده‌های پر پیچ و خم نیشابور به تهران می‌رسند و با خستگی و تنهایی دل همراه است بپذیرید.

نمی‌دانیم از کجا شروع کنیم که امان از کسرت درد و ناتوانی قلم که دفترها از دردهای دل‌هامان پر می‌شود و اینکه که دل‌هامان سخت غمین است از بی مهری مهر گردون و قلب‌هامان بسی درمانده از سنگینی درد، به این نتیجه رسیدیم که شاید تنها مایه آرامش عمق دردی دگر باشد در پس نگاهی آرام و متلاطم که مگر باز یابد توان گمشده‌اش را و این درد چندی است که ذهن‌هامان را سخت مشغول خود کرده و آن دیدار یار است یاری که در غیاب امام عصرمان (عج) یاری‌گر خلوت‌هامان است. آری، خواهان دیدار رهبریم و پس از تلاش بسیار با نوشتن نامه‌ای این درخواست را با ایشان مطرح کردیم.

حال آنکه می‌دانستیم این نامه تیری در تاریکی بیش نیست اما در تکاپوی نوشتن نامه یکی از دانش‌آموزان در خواب دید که رسیدن به این خواسته به دست شما امکان‌پذیر است که شاید یار به خاطر زحمات بیست و اندی ساله شما در سمپاد دعوت ما اجابت کند مگر نه اینکه شما پدر همه ما هستید و نه اینکه دغدغه ذهنی پدر رفع دل‌خستگی‌های فرزندان است پس لطفاً با اقدام در راه این خواسته مرحمی به دل‌های مجروح ما بگذارید.

ضمناً نامه ما به رهبر معظم (مدظله العالی) پیوست این نامه می‌گردد.

با تشکر

جمعی از دانش‌آموزان مرکز آموزشی فرزندانگان
نیشابور- خراسان رضوی

به نام تک ضمیر جاودان

رهبر! باران چشمانتان دریایی مان می‌کند تا قاب بگیریم آسمان قلبتان را میان پنجره‌های ذهن هامان. سرگرم سایه‌های زشت زمین بودیم که شما را در اعماق دریا یافتیم.

آقا! منم از نسل فاطمه (س)، نسل زینب، از نسل رقیه و شما از نسل همان وعده سبز جمعه.

سلام! سلامی از جنس مهر و دعا!

آقا جان! ما نیازمند پروازیم، پروازی به وادی عشق، جایی که سرزمینش به طراوت باران و گل‌های بهاری مشهور است. می‌خواهیم جرعه جرعه کلامتان را بنوشیم؛ می‌خواهیم بینیمتان تا برسیم پیغام شاپرکها را به شمعیان. آوار لحظه‌های بی شمار ما را اسیر آهن و دود کرد.

آقا! صدایمان کنید! تا پرواز کنیم به سوی روح جاری درخت، و مسیر عشق را پیشه خود

کنیم. فراهم کنید حیرت‌ها را؛ صدایمان کنید!

خورشید ما! بی پرده سخن می‌گوییم و نامه‌مان را بال به بال پروانه‌ها می‌دهیم تا برسد به

دست شما ... اکنون در تمنای دستی یاری‌گیریم. یاری‌گری در این گرداب ظلمت دنیا.

مولا جان: از آن زمان که چشم گشودیم در گوش هامان خوانده‌اند ولایت فقیه جانشین

حجت خداست بر زمین و دستان شما از همان زمان، نوازشگر خلوت هامان بود، حال، آیا شما

این یاری‌گر نمی‌شوید؟

آقا! در انتظار دعوتیم و اگر دیدار میسر نیست با موعظه‌ای با دستخط خود هادی ما باشید.

ما همچنان در انتظار دعوت شما و شنیدن صدای گرم‌تان هستیم.

والسلام

دانش‌آموزان مرکز آموزشی فرزندگان

نیشابور- خراسان رضوی

به نام خدا

با سلام و خسته نباشید خدمت ریاست محترم سمپاد جناب آقای دکتر آزه‌ای

من به نمایندگی از دانش‌آموزان مرکز فرزندگان ... می‌خواستم مطلبی را به خدمت شما عرض کنم.

در شماره ۶۳ سال شانزدهم مهر آذر ماه ۱۳۸۶ نامه‌ای چاپ کرده بودید از دانش‌آموزی که در

مدرسه‌ای عادی در مشهد به نمایندگی از همکلاسانش تقاضایی داشت. ایشان خواستار لغو اولویت در

انتخاب دانش‌آموزان سمپاد در آزمون ورودی دبیرستان بودند. من به نظر ایشان احترام می‌گذارم ولی

به نظر من این درخواست درخواستی معقولانه نیست زیرا این مرکز ۳ سال روی دانش‌آموزان پایه

راهنمایی سرمایه‌گذاری کرده‌اید. آیا این درست است که پس از ۳ سال پشتیبانی و سرمایه، آن‌ها را رها کنید؟ اگر روی همین دانش‌آموزان کار بیشتری شود و حمایت‌ها مصرانه باشد نتیجه بخش خواهد بود. به نظر من همین دانش‌آموزان پایه‌ی راهنمایی را حفظ و تعدادی دانش‌آموز از مدارس عادی به آنها اضافه کنید.

با تشکر قبلی
ص.م. از فرزندگان...

● استعدادهای درخشان: همین کار را می‌کردیم.

به نام خدا

با عرض سلام خدمت شما جناب آقای دکتر اژه‌ای و خسته نباشید خدمت شما و همکاران محترمتان.

اینجانب به عنوان نماینده دانش‌آموزان شهر کرد اعتراضی بر روند آموزشی و گزینش مربیان در مدرسه سمپاد مرکز شهر کرد دارم.

گر چه قصد نداشتیم نامه اولی که از ما به دست شما می‌رسد، شکایت از وضع دبیرستانمان باشد ولی به ناچار و اقتضای زمان چنین است!

سخنم را با یک سؤال آغاز می‌کنم: آیا دانش‌آموزان برگزیده سمپادی باید با دانش‌آموزان عادی یکی شوند؟ آیا این بر روند آموزش کشور تأثیر منفی ندارد؟ آیا درست است که دخترانی که در کشور ما، دیگر مانند هر پسری حق مشارکت در امور کشور را دارند حالا به دلیل صرفاً دختر بودن از تحصیل و پیشرفت باز بمانند؟

مسئله ناتوانی معلمان زن از تدریس نیست! مسئله جدیت و تجربه معلمان مرد است. آیا درست است که معلمان برجسته مرد در مدارس پسرانه تدریس کنند و دختران به دلیل نداشتن معلمان برجسته دچار تنزل تحصیلی شوند؟

شاید این مسئله برای مدارس معمولی و دانش‌آموزان معمولی مسئله مهمی تلقی نشود ولی برای افرادی که در آزمونی کاملاً برابر به عنوان افراد برجسته انتخاب شده‌اند، مسئله مهمی است. امید است با این نامه و با توجه شما، این مسئله تأسف‌انگیز هر چه سریع‌تر برطرف گردد.

با تشکر
دانش‌آموزان مرکز آموزشی فرزندگان شهر کرد

● استعدادهای درخشان: سمپاد در مقطع پیش‌دانشگاهی اعتقادی به این امر ندارد ولی تابع

تصمیمات ادارات آموزش و پرورش استان و شهرستان است. به خصوص در مورد حضور دبیران با سابقه که عمری را با کرامت در آموزش و پرورش سپری کرده‌اند و می‌توانند در توانمندسازی علمی فرزندان ایران عزیز کوشا باشند. از طرفی از نظر ما فاصله پیشدانشگاهی تا دانشگاه یک گام بیشتر نیست، می‌توان تمهیدات بهتری، در آنجا که این کمبود حس می‌شود، در نظر گرفت، بدون اینکه از نقش دبیران توانمند زن در مراکز غافل شد.

«به نام خدا»

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان

سلام بر شما، بنده، محمد عباد شانظری هستم که در سنندج زندگی می‌کنم. من در مدرسه وابسته به دانشگاه کردستان که زایناران نام دارد، تحصیل می‌کنم، این مدرسه از لحاظ کیفیت دومین مدرسه سنندج می‌باشد که دارای آزمون ورودی است ولی آزمون آن به اندازه آزمون مدرسه تیزهوشان سخت نمی‌باشد و قبولی در این مدرسه آسان‌تر از قبولی در مدرسه تیزهوشان است. من در آزمون مرحله اول شما پذیرفته شدم اما در آزمون مرحله دوم به دلیل دشواری بیش از حد آن قبول نشدم و به خاطر این حادثه بسیار ناراحت شدم چون که برای قبولی در آزمون شما نهایت تلاش خودم را کردم و کتاب‌های زیادی را از قبیل: ۲۰۰۰ آزمون مبتکران، چهل آزمون ریاضی واله، فیزیک پایه ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ و ۸ را مطالعه کردم. خلاصه در این مدت که در مدرسه بودم بسیار بی‌انگیزه و بی‌شوق و نشاط بوده‌ام و هیچ شور و شوقی برای درس خواندن پیدا نکرده‌ام چون خود را برای درس خواندن در مدرسه تیزهوشان آماده کرده بودم و به این مدرسه دل بسته بودم و هنوز هم دل بسته‌ام و یکی از آرزوهای بسیار بزرگم این است که در این مدرسه تحصیل کنم.

من در آزمون ورودی به راهنمایی نیز بسیار بد اقبال بودم و در آزمون شرکت نکردم چون در زمان ثبت نام برای آزمون تیزهوشان در ایران نبودم و در انگلستان به سر می‌بردم چون که از شش سالگی به خاطر تحصیل پدر و مادرم در آن جا زندگی می‌کردم و در سن یازده سالگی به وطن عزیزم یعنی ایران برگشتم، به همین دلیل از وجود مدارس سمپاد در ایران خبر نداشتم. به نظر خودم می‌توانم در سمپاد درس بخوانم و در آن جا دوام بیاورم. از شما خواهش می‌کنم که من را به جای یکی از دانش‌آموزان مدرسه شهیدبهبشتی (سنندج) که از این مدرسه بیرون آمده پذیرید. به شما قول می‌دهم که در کنکور باعث افتخار این مدرسه شوم و از امکانات شما به طور خوبی استفاده کنم. ریاست محترم چه می‌شود اگر من به جای دانش‌آموزی که خارج شده است وارد این مدرسه شوم؟ با تشکر محمد عباد شانظری.

با تشکر

محمد عباد شانظری

● استعدادهای درخشان: متأسفانه ورود به مراکز سمپاد صرفاً از طریق کنکور سراسری سمپاد

صورت می‌گیرد ضمن یادآوری این نکته که شما در یک مدرسه خوب تحصیل می‌کنید، موفق باشید.

به نام خدا

بابا سمپاد عزیز سلام

درسته من یه دختر سوم دبیرستانی هستم ولی من رو ببخشید که نمی‌تونم براتون رسمی بنویسم چون احساس می‌کنم خیلی به ما نزدیک هستید. این نامه برای تشکر کردن از شماست به خاطر تأسیس سمپاد و منسجم کردن بچه‌هایی که شاید با هوش تر از بقیه باشن.

اما یه گله داشتم. من اوایل فکر می‌کردم با وارد شدن به سمپاد وارد دنیای جدیدی می‌شم دنیایی پر از خلاقیت و تفکر. فکر می‌کردم می‌خواهیم ایران رو بسازیم. فکر می‌کردم این مدرسه به ما کمک می‌کند تا فکرهامون را عملی کنیم و خلاق باشیم؛ ولی واقعیت اینه که ما فقط توی درس و فکر کنکور داریم دست و پا می‌زنیم و وقت برای خلاقیت نداریم. بیشتر بچه‌ها می‌خوان برن یه کشور دیگه و باز ایران ما تنها می‌مونه و بدون پیشرفت. آقای اژه‌ای پدر عزیز و مهربون ما، نمی‌شه یه کاری کرد که این اتفاقات نیفته، می‌شه یه دانشگاه ساخت برای سمپادی‌ها که فکر کنکور رو نداشته باشیم و توی دانشگاه به فکر آباد کردن ایران عزیزمون باشیم. لطفاً به من نخندید. شاید به نظر شما حرفهای من مسخره باشد ولی فکر می‌کنم شما هم که اولین بار حرف از ساختن سمپاد زده بودید دیگران اونقدرها این فکر رو عملی نمی‌دونستن. راستی ما شیرازی‌ها رفتیم زیر نظر آموزش و پرورش، معلم‌های مرد رو برداشتن از مدارس ما و می‌خوام بدونید که توی شیراز اونقدرها هم سمپادی بودن ساده نیست و خیلی دردسر داره. جمله بندی من خیلی بد بود این به خاطر کمبود وقت هست. گفتم حالا که اومدیم تهران خالی از لطف نیست که براتون نامه بنویسم. این نامه یه نامه رسمی نیست ولی کاش می‌تونستید جواب نامه من رو توی یه نامه برام بفرستید. گاهی حتی چند جمله برای دلگرمی هم، آدم رو خوشحال می‌کنه.

یکی از فرزندان کوچک شما
شیراز: ز.ج.

● استعدادهای درخشان: بهترین دانشگاههای ایران در اختیار سمپادیهاست منتها سمپاد: الف. تأسیس دانشگاه جداگانه را از دست دادن این امکان وسیع می‌داند ب. آنها که می‌مانند کارهایشان زنده کننده امید در دل همه ایرانیان است ج. متأسفانه کنکور بخش اعظم اهداف سمپاد را زیر سؤال برده است ولی راهکار دیگری نداریم، تنها دلخوش به تلاش عاشقانه علمی شما عزیزان برای ایران عزیز هستیم.

خدمت ریاست محترم سازمان استعدادهای درخشان

با سلام و عرض ادب

احتراماً به اطلاع می‌رسانم اینجانب ولی دانش آموز کیوان مشرف قهفرخی که دوره راهنمایی را در مرکز شهید اژه‌ای اصفهان به پایان رسانده و در امتحان ورودی دبیرستان در مرکز شهید اژه‌ای اصفهان پذیرفته شده است. به علت شغل پدر مجبور به آمدن به تهران شده است. وقتی ما متوجه شدیم که مجبور به آمدن به تهران هستیم، به سازمان مراجعه کردیم. در تهران تقاضای خود را مبنی بر انتقال پسرمان به تهران شفاهاً مطرح کردیم ولی گفتند که دیر مراجعه کرده‌ایم و باید به دنبال مدرسه دیگری باشیم و در آخر گفتند که کتباً تقاضای خود را مطرح کنیم ولی من که فکر کرده بودم دیر شده است و راهی وجود ندارد کوتاهی کرده و تقاضای کتبی ندادم و به دنبال مدرسه خوب دیگری در تهران شدم (مدرسه انرژی اتمی). ولی متأسفانه پسر من بسیار از نظر روحی افت کرده است و دچار ناراحتی شده است و احساس می‌کند که از بچه‌های هم‌کلاسی گذشته‌اش عقب افتاده است و برای محیط گذشته‌اش در سمپاد احساس ناراحتی می‌کند و می‌گوید که محیط سمپاد برای او مناسبتر است و همیشه حالتی نگران دارد و آن روحیه شاد گذشته را که درس خواندن برایش بسیار دلپذیر بود ندارد و ما به عنوان پدر و مادر، بسیار نگران پسرمان شده‌ایم زیرا که همیشه در سالهای حضور در سمپاد از بچه‌های سرآمد بوده است، هم از نظر درسی و هم از نظر اخلاقی؛ ولی احساس می‌کنیم که پسرمان با تمام توانمندیهایش سرخورده شده است. این بود که من دیگر طاقت نیاوردم و تصمیم گرفتم که به کمک پسر من بیایم و تا دیرتر نشده فکری بکنم. از شما خواهش می‌کنم که اگر امکان دارد با توجه به اینکه کار شوهرم در تهران است محبت کرده با توجه به سابقه خوب پسر من و نمره امتحان ورودی دبیرستان او، اجازه فرمایید که در مرکز سمپاد تهران مشغول به تحصیل شود و مطمئن باشید که از بچه‌های سرآمد خواهد بود و اگر واقعاً این امکان وجود ندارد اجازه فرمایید که حداقل من، با توجه به اینکه شوهرم باید در تهران باشند، پسر من را به اصفهان ببرم و در مرکز شهید اژه‌ای اصفهان ثبت نام کنم. واقعاً از محبت و لطف شما ممنون و سپاسگزار خواهم شد.

با سپاس فراوان مادر دانش آموز

● استعدادهای درخشان: در این مورد بررسی و اقدام مناسب صورت گرفت.

«به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن از زبان آفرین»

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت آقای دکتر اژه‌ای و مسئولان محترم

آقای دکتر امیدوارم نامه به دستتان برسد و آن را بخوانید

من یکی از دانش‌آموزان کلاس اول راهنمایی هستم و تازه در مرکز استعدادهای درخشان درس می‌خوانم. واقعاً مدرسه خوبی است و من از آن کاملاً راضی‌ام و مسئولان و مدیریت محترم اینجا واقعاً زحمت می‌کشند و از همه ممنونم من از راهنمایی فرزندانگانشان شماره ۱ نامه می‌فرستم و به نظرم اینجا واقعاً عالی است.

آقای دکتر ازه‌ای این بخش نامه من تقریباً از طرف تمام بچه‌های سال اول این مدرسه است. بچه‌های مدارس دیگر (مدارس نمونه دولتی) کتاب‌های تکمیلی ما را دارند. از آن درس می‌خوانند نمی‌دانم از کجا آورده‌اند. ما هم کلی زحمت کشیده‌ایم و درس می‌خوانیم بعد آن‌ها با کمال آرامش کتاب‌های ما را می‌خوانند؟! حالا در اصل ناراحتی ما از این نیست، ناراحتی ما از این است که برای ما از تهران کتاب تکمیلی درس فیزیک هنوز نرسیده و گویا اصلاً نمی‌رسد ولی مدارس نمونه آن را دارند. حالا ما باید برویم و به آنها التماس کنیم تو را به خدا کتاب فیزیکتان را به ما بدهید؟! خیلی عجیب است چرا کتاب‌های ما را نمی‌فرستند؟

امیدوارم جوابی بدهید و کتاب‌هایمان را بفرستید. آقای ازه‌ای الان که دارم نامه می‌نویسم واسطه امتحان‌هایمان است و فردا هم جغرافی داریم. خواهش می‌کنم شما برای ما دعا کنید تا بتوانیم بهتر بخوانیم و ذهنمان بازتر شود. آقای ازه‌ای خواهش می‌کنم که برای امتحان (زیست‌مان) هم دعا کنید. واقعاً ممنونم!

خدا نگاه‌دارتان باشد.

ن.ن. - مدرسه راهنمایی فرزندانگانشان ۱

● استعدادهای درخشان: اینکه کتابهای تکمیلی را مدارس دیگر بخوانند اشکالی ندارد. ولی وقتی

تهران یک جا برای همه پست می‌کند حتماً اشکال از شهر شماس است. با وجود این در موقع دریافت نامه

تذکر داده شد. امید است خیلی دیر نبوده باشد!!

بسمه تعالی

رئیس محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان

با سلام و آرزوی توفیق برای حضرت‌تعالی و تمامی دلسوزان واقعی ایران عزیز اسلامی، غرض از طرح این مکتوب مطرح کردن معضل و مشکل تعرض غرضمند و کاملاً مخرب و سازماندهی شده عده‌ای خاص در فضای فرهنگی عزیزان و آینده سازان ماست. حرکات ناشایستی که شاید صحبت مشابه آن را برای فضاهای دیگر شنیده بودیم اما نمی‌دانستیم اینگونه ناپاکیها تصمیم به تخریب حتی محیط‌های بی‌آلایش آموزشی و فرهنگی را نیز به هر قیمت دارند. ما خانواده‌های طراح و پیگیر این

نامه، اولیاء دانش‌آموزانی هستیم که عزیزانمان مشغول تعلیم و دانش‌اندوزی در مجتمع آموزشی فرزنانگان می‌باشند. و با توجه به ظرافت‌های پیش‌بینی و بکار گرفته شده مجموعه فوق، به تحقیق، اکثر خانواده‌ها از عملکرد و همت فوق‌العاده تمامی دست‌اندرکاران این مجموعه راضی بوده‌اند و به مناسبت‌های مختلف نیز از سوی خانواده‌ها سعی در نوعی سپاسگزاری و تقدیر و تشکر می‌شد و میزان کیفیت ارتباط دانش‌آموزان و گردانندگان و معلمان به نوعی بوده که به عنوان دوست، دو طرف و اولیا، خاطرات خوبی را از یکدیگر دارند و مجموع این شرایط آرمانی در حالتیست که حتی در مواقعی اداره آموزش و پرورش شهرستان با این گروه پیشرو هماهنگ نبوده و حتی چیزی که حالا از سوی اداره آموزش و پرورش شهرستان، عزیزان ما با آنها موجه هستند حرکت‌های مبتذل مدیران اداره در جهت عدم تحرک و پویائی این مجموعه است. همانطوری که پیشتر توضیح داده شد، با وجود اینکه مدیریت مجتمع و کادر دلسوز ایشان از نیروهای صادق و پرتلاش می‌باشند متأسفانه از سوی اداره شهرستان بخصوص از زمانی که مدیریت اداره آموزش و پرورش شهرستان جناب آقای به مسند کار تشریف آورده‌اند تا بحال بهانه جوئی و کارشکنی‌های بسیاری انجام شده و از آنجا که در بین ما اولیاء نگارنده، خانواده‌های فرهنگی نیز حضور دارند، گواهی می‌دهند که بنابه سلیقه شخصی مدیریت آموزش و پرورش شهرستان، مدیریت فعال این مجموعه را با ذائقه شخص خود هماهنگ نمی‌داند و در نتیجه همکاری‌های لازم را با این مرکز ندارند از جمله عدم همکاری دوایر مربوط در تأمین کادر آموزشی مورد نیاز، بویژه در سال تحصیلی جاری.

اخیراً نیز در تاریخ یکشنبه ۱۱/۹/۸۶ از ساعت ۸:۳۰ الی ۱۳:۳۰ مجتمع فرزنانگان توسط کارشناسان مقاطع راهنمایی، دبیرستان، امتحانات، ارزشیابی و رسیدگی به شکایات مورد بازدید قرار گرفت. به شهادت عزیزانمان پس از اینکه مرکز را کاملاً زیر و رو کردند (تحت لوای انجام وظیفه) در پایان در چندین کلاس حاضر شده بخصوص آقایان در مقطع راهنمایی و و در مقطع دبیرستان، در کلاس حاضر شده و مشکلات آنها را جویا می‌شوند، اما پاسخ دانش‌آموزان در مورد امتحان نهایی... و سایر سوالات و ابهاماتی که دارند می‌پرسند، آقایان چون پاسخهای مورد نظر خود را دریافت نکرده‌اند صریحاً به دانش‌آموزان می‌گویند که: این چیزها نه، از مدیر بگوئید، از معاونین بگوئید، و بگوئید که آیا از آنان راضی هستید؟ بچه‌ها در پاسخ، سوالات قبلی خود را طرح می‌نمایند و آقایان نیز مجدداً گستاخانه به طرح سوالات مغرضانه و هدفمند خود می‌پردازند. حتی آقایان حرمت شکنی را در برخی از کلاس‌ها کامل نموده و به بچه‌ها می‌گویند بر روی کاغذ هر چه دلتان می‌خواهد در مورد مدیر و معاونین بنویسید و از هیچ چیز واهمه نداشته باشید و در نهایت با دسته‌ای کاغذ، راضی و خوشحال از کلاس خارج شده و پس از پنج ساعت کنکاش آنجا را ترک گفتند. بنابه اظهار دانش‌آموزان، از آتروز

نوعی وقاحت و گستاخی در رفتار برخی از دانش‌آموزان این دسته کلاسها در برابر معلمان و گردانندگان مجموعه، حادث شده که یقیناً بر روی رفتار سایر عزیزانمان نیز بی تأثیر نخواهد بود و اینگونه اعمال آقایان تمام کاشته‌هایمان را یکجا به آب می‌دهند.

و حال برای اولیا این سؤال مطرح است که در مورد مجموعه‌ای که ما شاهد موفقیت‌های برجسته آن در زمینه‌های آموزشی و پرورشی در سطح استان و کشور بوده و هستیم و مدیر ارزشمندی که صادقانه و با تمام وجود و آنهم با آن پیشینه درخشان خانوادگی (خواهر دو شهید و یک مفقودالثر و یک جانباز) که صادقانه و بی هیچ چشم‌داشتی، زندگی خود را سالها وقف سعادت و پیشرفت دانش‌آموزان خود کرده، همینطور معاونین پرتلاش و دلسوزی که یاور ایشان در ارتقای مجموعه بوده‌اند، چرا اینگونه باید مورد بی‌مهری، تعرض و هتک حرمت رئیس اداره قرار بگیرند؟ چرا هر چند روز یکبار به بهانه‌های کذائی به مجموعه و فرزندانمان شوک وارد می‌کنند؟ چرا در حکومتی که شریعت آن امر می‌کند که حتی با دشمنی که اسیر شده باید مدارا نمود و حرمت نگاه داشت اینچنین با مدیری که خود نیز در امتداد خانواده‌اش بسیار برای این کشور ایثار نموده، ظلم می‌نمایند؟ با این حرکات چه آموزه‌ای برای عزیزانمان به سوغات می‌برند؟

لذا از حضرت‌عالی خاضعانه استدعا داریم تا اقدام عاجلی نموده و ضمن برخورد با این نامدیران، جلوی هرز رفتن سالها زحمت و دانش‌آموزان ما را بگیرید و به نحوی شایسته به حرمت داری این مظلومان پردازید تا در روز حساب، همگی ما بازنده این افراد کوچک نباشیم و وظیفه را به مثقال خیر انجام دهیم.

با سپاس و با آرزوی حل سریعتر این مشکل
اولیا دانش‌آموزان مجتمع آموزشی فرزنانگان

● استعدادهای درخشان: صدها مرکز آموزشی در حوزه قدرت این مدیران قرار دارند، منتها توان رؤیت توانمندی مرکز را ندارند لذا: «دست نمی‌رسد که بچینی گلی زشاخ»، «با یک لگد حساب درختش رسی، نکوست» ببخشید شاعر بهتر نمی‌توانست به توصیف این دردانه‌ها برسد.

به نام او

پدر مهربان، آقای دکتر اژه‌ای سلام!

الان که این نامه را می‌نویسم ساعت ۲/۱۵ بعدازظهر است و همه در حال جمع کردن وسایلمان برای بازگشت به هستیم. مستحضرید که جهت بازدید از کارگاه علوم سمپادی‌های تهران به اینجا آمده بودیم. این بازدید در دو نوبت صبح ۴شنبه و ۵شنبه انجام شد که حاصل آن ابتلا افسردگی و حسرت و

سپس فکر تلاش برای بهتر کردن وضع فرزندان بود. از این رو تصمیم به صحبت با شما گرفتیم. اما مراقبان با قاطعیت به ما نه گفتند. امروز (۵شنبه) حدود ۱۰ دقیقه قبل که برای گرفتن آب به طبقه همکف آمده بودیم، از یکی از مسئولان پرسیدیم که آیا می‌توان با شما ملاقات کرد و ایشان شما را که سوار ماشین در حال خارج شدن از سازمان بودید به ما نشان دادند. پس تصمیم گرفتیم نامه‌ای نوشته و درباره‌ی مشکلاتمان برای شما بنویسیم.

آری پس از بازدیدها حسرت خوردیم. حسرت استعدادهایی که به هدر رفت. هدررفت چون سیستم آموزشی و مؤکداً شخص رئیس محترم (!) آموزش و پرورش استان (جناب آقای) مانع از شکوفایی این استعدادها شدند.

کنترل مدارس سمپاد زیر نظر آموزش و پرورش (حداقل در) باعث محرومیت ما از بسیاری فرصت‌ها و هدررفتن یا استفاده نادرست از آن شده است.

آقای دکتر! به خاطر اندک هوش و استعدادی که بیش از بقیه داریم انتظار یک چیز را (فقط یک چیز را) از سیستمی که ما را انتخاب کرده است داریم. برای آموزش این استعدادها و پروراندنشان شیوه صحیح و متفاوتی اجرا شود.

پدر مهربان! می‌دانم که فرصت چندانی برای گز افه‌گویی‌های من ندارید. اجازه می‌خواهم که چند تا از اصلی‌ترین مشکلات خود را مطرح کنم (این مشکلات، مشکلات همه ما می‌باشد. از اینکه نامه را اول شخص می‌نویسم معذرت می‌خواهم):

اول و مهم‌تر از همه اخراج دبیران مرد از مدارس دخترانه است. می‌دانید که دانش‌آموزان فرزندان تهران و بسیاری شهرهای دیگر از سواد معلمان مرد استفاده می‌کنند. در بسیاری از دروس، معلم زن خوب وجود ندارد (!) به عنوان نمونه فیزیک، فکر می‌کنم در کل پایه‌ها بیش از ۷-۶ معلم فیزیک عوض شدند تا از سراجبار از بین آنها یکی، بدها انتخاب شدند و این باعث هدررفتن قسمت اعظم وقت درس خواندمان شد. ۶ ساعت درسی در طول هفته (۳ جلسه) در مدرسه به هدر می‌رود و ۲ تا ۴ ساعت در کلاس خصوصی‌ها صرف فرآگیری فیزیک می‌شود (البته می‌دانید که یادگیری سرکلاس مدرسه بازده بسیار بالاتری دارد) همین وقتی که می‌تواند صرف شکوفایی خلاقیت‌های ما شود، به هدر می‌رود.

مشکل بعدی نحوه توزیع بودجه بین مدارس سمپاد و همچنین نحوه مصرف آن در مدارس است. گلايه من از امکانات بیشتر مدارس پسرانه است. منظور از امکانات، تجهیزات آزمایشگاهی و کارگاهی و فرصت تحقیق برای دانش‌آموزان است. همچنین نحوه مصرف بودجه که اکثریت دانش‌آموزان به آن معترضند، باعث هدررفت اندک بودجه مدرسه می‌شود. در مدرسه ما یکی از این کانال‌های بودجه

هدرده تعداد زیاد کادر دفتری نسبت به تعداد دانش آموزان است. در مقام قضاوت از شما می‌خواهم اندکی بررسی کنید که چرا مدرسه‌ای ۳۰۰، ۴۰۰ نفره باید حدود ۲۰ دست اندرکار داشته باشد. افرادی که حقوق همگی از بودجه مدرسه پرداخت می‌شود.

پدر بزرگوار! سخن را کوتاه می‌کنم؛ که می‌دانم آنقدر گرفتارید که بیش از این فرصت زیاده‌گویی‌های مرا ندارید. امیدواریم به زودی شما را در مدرسه خود ملاقات و تک تک با شما درددل کرده و پاسخ پرسش‌های خود را از شما بگیریم. می‌دانیم که بسیار برای بقا و پیشرفت سمپاد تلاش می‌کنید. از شما تشکر می‌کنیم و برای شما آرزوی موفقیت و سلامتی داریم.

گیرم که در باورتان به خاک نشسته‌ام،

و ساقه‌های جوانم از ضربه‌های تبهاتان زخم دادست.

با ریشه چه می‌کنید؟

گیرم که بر سر این باغ، بنشسته در کمین پرنده‌اید.

پرواز را علامت ممنوع می‌زنید.

با جوجه‌ای نشسته در آشیان چه می‌کنید؟

با رویش ناگزیر جوانه چه می‌کنید؟

در آخر، از شما پدر و باغبان مهربان سمپاد عذرخواهی می‌کنم که نامه‌ام، هیچ شبیه یک نامه اداری نبود.

● استعدادهای درخشان: تردیدی نیست که نهایت صرفه‌جویی در نحوه هزینه کردن حق‌الثبت‌ها باید بشود. و مدیران موظف هستند نظارت بر این امر نمایند تا امکانات در راستای گسترش پژوهش در مرکز شود. در ضمن با سلیقه‌های استانی که هرچند بار با تغییر افراد در استان جلوه‌گری تازه‌ای می‌کند نمی‌شود کاری کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

(قبل از شروع صحبت، خواهشمند است کلمات یا نوشته‌هایی که با رنگ قرمز نوشته شده‌اند، در مجله چاپ نکنید. امید است این نامه پیش شما محفوظ بماند.)

با سلام و عرض خسته نباشید خدمت شما دست اندرکاران این مجله و همه سمپادی‌ها، به خصوص دانش آموزان سمپاد.

۱. می‌خواستم درباره کتاب زبان سال تحصیلی امسال (۸۷-۸۶) صحبت کنم. اینجا سؤالی پیش می‌آید که چرا کتاب زبان امسال ناگهانی عوض شد؟ آیا مسئولان کتب درسی سمپاد، فکر نمی‌کنند که

تغییر ناگهانی این کتاب از «Look Listen» به «Cambridge» موجب می‌شود لطمه‌ی درسی زیادی به دانش‌آموزان سال سوم و دوم وارد شود؟ ضمناً، چرا تغییر یک کتاب را از پایه‌ی اول شروع نمی‌کنید؟ در ضمن، معلمان هم، در کلاس انگلیسی صحبت می‌کند و ما چیز زیادی نمی‌فهمیم. آیا حیف نیست کسی که تمام نمراتش خوب است (من، با نمره بیست) نمره‌ی زبانش کم شود و از معدلش کاسته شود؟ لطفاً با اینکه دیر است، اقدامی بکنید.

۲. با توجه به اخبار، کنکور در سال‌های بعدی برداشته خواهد شد. می‌خواستم پرسیم که اگر کنکور نباشد، راهیابی به دانشگاه‌ها چگونه انجام می‌پذیرد؟ آیا ما دانش‌آموزان سمپادی، امتیاز یا سهمیه‌ای در این رابطه داریم؟

با تشکر، از راهنمایی شهید بهشتی کاشان

● استعدادهای درخشان: کتاب‌های زبان قبلی مدتها مورد اعتراض دانش‌آموزان و دبیران بود، مدتی هم طول کشید تا یک مجموعه مناسب جایگزین شود. چندین هزار جلد کتاب قبلی هم روی دستمان ماند. اگر تاجر مسلک می‌خواستیم عمل کنیم باید به پیشنهاد شما عمل کنیم ولی از آنجا که مجموعه‌های زبان از آسان به سخت است لذا جایگزینی در همه پایه‌ها مشکل زیادی را بوجود نمی‌آورد. لذا اینگونه تصمیم گرفته شد. زبان انبار شدن کتب قبلی را بپذیریم و دگرگونی را یکجا انجام دهیم. شما هم زبانتان را بهتر کنید. در ضمن کنکور برای سمپادیها، امتیازی نباید قایل شود.

بسمه تعالی

حجة الاسلام جناب آقای دکتر اژه‌ای

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان

با عرض سلام و احترام، بدینوسیله گزارش مختصری از وضعیت ثبت نام یکی از دانش‌آموزان دبیرستان را به استحضار می‌رساند: دانش‌آموز مونا-ک. از سال تحصیلی ۸۵-۸۴ در این مدرسه، حضور داشته و تا کنون که ۳ سال از تحصیل ایشان سپری می‌شود با وجود بضاعت مالی خانواده هیچگونه وجهی بابت ثبت نام به مدرسه پرداخت نشده است.

در این ۳ سال دانش‌آموز نامبرده نه تنها از امکانات آموزشی بلکه از کلاس‌های پژوهشی، المپیاد، قرآن و ... به صورت رایگان بهره‌مند شده است و در مقابل ولی نامبرده آقای حمیدرضا-ک. هر سال کلیه زحمات پرسنل دلسوز و زحمت‌کش دبیرستان را زیر سؤال برده و برنامه‌های مدرسه را به باد استهزاء می‌گیرند و نسبت به همکاران و مدیران وقت (سرکار خانم ... و اینجانب) با برخوردی بسیار نامناسب، هتک حرمت نموده و با الفاظی زشت محیط مقدس آموزشی را مشوش نموده‌اند. چنانکه در

روز چهارشنبه مورخ ۸۶/۱۱/۱۰ نیز مجدداً به مدرسه مراجعه نموده و با لحنی طلبکارانه رفتاری را که دون شأن یک استاد دانشگاه است! از خود نشان داده‌اند. لذا خواهشمند است در خصوص اخذ تصمیم صحیح در ارتباط با ایشان ارائه طریق فرمایید.

با تشکر - مدیر دبیرستان فرزنانگان ...

● استعدادهای درخشان: آنچه در سمپاد مطرح است دانش آموز عزیزی است که به دست ما سپرده شده است. از اینگونه اولیاء مدعی کم نداشته‌ایم و در آینده هم خواهیم داشت در قرآن هم از آنها به خوبی ذکر شده است!! شما تحمل کنید، اجر تان محفوظ است.

بسمه تعالی

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان جناب آقای دکتر آژهای با سلام و تحیات و عرض تسلیت ایام سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین (ع) احتراماً و با عرض تشکر از الطافی که ذیلاً مبذول می‌فرمائید نظر به اینکه ارزیابی کتابخانه‌های مراکز سمپاد به عنوان مقیاس فعالیتها و عملکرد مراکز در سطح کشور مطرح می‌شود به نظر می‌رسد که در ارزیابیها عدد و ارقام، زحمات بی‌شائبه همکاران این مرکز آموزشی را مورد آماج بی‌لطفیها قرار داده است. جهت احقاق حق که بنا به فرموده مولای متقیان علی (ع) «قُلْ الْحَقُّ وَ لَوْ كَانَ مُرًّا» که مطمئناً در این مورد خاص «أَحْلَى مِنْ عَسَلٍ» می‌باشد مطالب زیر خدمتتان ارائه می‌گردد. امید است عنایت فرموده و این مرکز آموزشی را هم چون سالهای قبل مورد بذل و کرامت خویش قرار دهید تا دلگرمی‌ها به دلسردی‌ها تبدیل نگردد. در صورت صلاحدید نامه ما را در مجله بعدی به چاپ برسانید تا با دلگرمیهای شما زمستان سرد امسال را بهتر تحمل کنیم.

چنانچه در مجله شماره ۶۲ استعدادهای درخشان سال تحصیلی ۸۶-۸۵ آمده است در مقایسه با مجله شماره ۵۸ مربوط به سال تحصیلی ۸۵-۸۴ تعداد دانش‌آموزان این مرکز از ۲۶۸ نفر به ۲۹۵ نفر افزایش یافته است.

بنابراین سرانه کتاب هرکدام از دانش‌آموزان این مرکز برخلاف افزایش تعداد کتب خریداری شده کاهش پیدا کرده است در صورتی که در نتیجه‌گیری شما عزیزان سمپادی، در آخرین شماره ارسالی مجله سمپاد (شماره ۶۲) نام مرکز راهنمایی فرزنانگان شیراز را جزء مراکز قید کرده‌اید که «با توجه به عدم افزایش دانش‌آموزان معلوم نیست با کتب ارسالی ستاد مرکزی سمپاد چه کرده‌اند؟!»

آیا انصاف است وقتی در جدول مربوط به تعداد کتب، سرانه کتاب دانش‌آموزان مراکز سمپاد در کل کشور در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ این مرکز رتبه دوم و جزء برترین کتابخانه‌های سمپاد عنوان شده

است بنگاه در عرض یکسال تا این حد تنزل یابد که مشمول این جمله بسیار دردناک (معلوم نیست با کتب ارسالی سمپاد چه کرده‌اند؟) شویم؟! آیا جز این است که افزایش آمار دانش آموزان مد نظر قرار نگرفته است؟

دلخوشی ما فقط به وسعت کتابخانه و کتابهای آن می‌باشد که آنهم از ما گرفته شد لیکن خوشحالیم که کتابخانه این مرکز طبق نظر کلیه بازدیدکنندگان و عزیزان سمپادی حتی در سال جاری نیز به عنوان برترین کتابخانه‌های سمپاد ارزیابی می‌شود.

امید است زحمات عزیزان سمپاد در برابر آماج اعداد و ارقام رنگ نبازد و واقعیت آنچنان که هست بیان شود در پایان از حسن توجه جنابعالی کما فی السابق سپاسگزاریم.

مدیریت مرکز آموزش راهنمایی فرزنانگان ۱ شیراز
صدیقه علی‌خواه

● استعدادهای درخشان: قطعاً وقتی نامه را می‌خوانید بهار آمده است. نامه‌تان را هم چاپ کردیم، افزایش دانش آموزان را هم قبول داریم. عبارت مقاله را یکبار دیگر مرور کنید: «برخی» از این مر آکز، با وجود «عدم افزایش دانش‌آموز» معلوم نیست با کتب ارسالی از ستاد مرکزی چه کرده‌اند. یعنی آنها که در دو سال متوالی «تعداد» کتابهایشان در کتابخانه تغییر نکرده است، چه کرده‌اند!!!

«بسمه تعالی»

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان
با سلام و عرض خسته نباشید بدلیل زحمات چندین ساله شما
اینجانب یکی از دبیران سازمان متبوع هستم و نظرات خود را در زمینه‌های زیر خدمتتان عرض
می‌نمایم:

۱. گزینش دانش‌آموزان: به نظر می‌آید برگزاری آزمون در حال حاضر تنها راه گزینش دانش‌آموزان
با استعداد است ولی بهتر است در این آزمون‌ها به چند نکته توجه شود:

- تستها توسط کارشناسان یا با نظارت کارشناسان فن سنجش، طراحی شود تا احتمال و شانس در
پاسخگویی اثر کمتری داشته باشد.

- نسبت بین دروس و کتاب‌های مختلف متعادل تر و منطقی تر شود. در آزمون سال سوم راهنمایی
۸۴-۸۵ تنها حدود ۶ تست از علوم و حدود ۲۵ تست از ادبیات فارسی مطرح شده بود آیا این رویه جزء
اهداف آموزشی سازمان در مقطع دبیرستان است؟

- تستها به گونه‌ای طراحی شود که علاوه بر استعداد دانش‌آموزان، میزان نکته بینی و پشتکار آنان

را نیز بسنجد.

- بین دانش‌آموزان مدارس عادی و مدارس سازمان از نظر شانس قبولی، تفاوت زیادی وجود دارد این امر انگیزه بسیاری از دانش‌آموزان در رقابت برای ارایه خلاقیت آنها را کمتر می‌کند.

۲. آموزش همکاران: بدیهی است اکثر همکاران مدرس، در مدارس سازمان، از جمله دبیران مطرح در سطح شهرستان یا شهر محل کار یا اقامت خود هستند ولی این موضوع لزوم آموزش مستمر روشهای نوین آموزشی مانند روش فعال و... و همچنین ارایه دستاوردهای جدید علمی را نفی نمی‌کند، خود حقیر با همه مطالعه‌ای که دارم حس می‌کنم هر روز از روشهای نوین آموزشی بیشتر فاصله می‌گیرم و نیاز به دوره‌های ضمن خدمت و بروز کردن دانسته‌هایم را دارم.

۳. مشارکت دادن دانش‌آموزان: با ارایه زمینه‌های تحقیقی مناسب با پایه علمی دانش‌آموزان می‌توان زمینه مشارکت آنها در فعالیتهای آموزشی و پژوهشی را بیشتر کرده برای این منظور تجدید نظر در طراحی کتاب‌های تکمیلی دوره راهنمایی بسیار مؤثر است.

- چرا کتاب‌های تکمیلی در دوره متوسطه حداقل سالهای اول و دوم در برنامه درسی دانش‌آموزان گنجانیده نشود؟ این کتابها می‌توانند منشأ اثر بسیار مطلوبی باشند.
از مرکز شهید سلطانی کرج

● استعدادهای درخشان: ۱. در مورد طراحی سؤالات تلاش بر همین اساس است، لذا شانس، در این میان، شانس کمی دارد، ۲. علوم را در آزمون تفکیکی دیده‌اید، ۳. بین دانش‌آموزان مر اکتر و مدارس دیگر از آنجا که از محتوای تکمیلی سؤال نمی‌آید فرقی وجود ندارد، ۴. با استانی شدن امور، دوره‌های دانش افزایی هم استانی شده‌اند، منتها سعی در برگزاری متمرکز این دوره‌ها را داریم، ۵. سمپاد مستمراً چندین سال است در فعالیتهای پژوهشی فعالیت وسیعی می‌نماید، ۶. تدوینگران کتابهای سمپاد از فارغ‌التحصیلان ممتاز و کارآزموده سمپاد هستند، ۷. در مورد کتب تکمیلی دبیرستان در صورت لزوم اقدام خواهد شد. تشخیص کارشناسان سمپاد فعلاً بر این امر متمرکز است که در دبیرستان اگر ضرورتی برای مطالعه اضافی باشد. از کتب معتبر در دسترس استفاده شود. البته بدون اجبار و الزام برای امتحانات.

«بسمه تعالی»

سلام

سلام به هرکی که سمپادیه سلام به هرکس که کمک کرده تا سمپاد ۲۰ سالش بشه! سلام به همه دوستای سمپادی در سراسر ایران و سلام به دوستای خودم که ۷ سال داریم با هم زندگی می‌کنیم و فقط، فقط چند ماه دیگه مونده تا از هم جدا بشیم و برچسب سمپادی بودنمون رو از روی پیشونیمون

بردارن

این چندمین نامه‌ای که برای مجله در طی این ۷ سال می‌نویسم و پست نمی‌کنم (البته این یکی رو حتماً پست می‌کنم) آخه هر بار که می‌نویسم دیگه دوران سمپادی بودن منم داره تموم میشه دلم می‌گیره

یاد شیطونی‌هایی که تو این چندسال با بچه‌ها همه جوره انجام دادیم از شکستن پنجره و تا ریختن گچ دیوار و برداشتن شیرینی و میوه (یواشکی) از دفتر مدرسه و استفاده از اینترنت مدرسه و (افکر بدنکنید استفاده صحیح)

از حسادت‌هایی که همیشه نسبت به شهید بهشتی‌ها [مرکز پسرانه] داشتیم از غصه خوردنمون سر فرق‌هایی که بین ما و اونا می‌گذشتن و خیلی چیزهای دیگه
یه خاطره براتون بگم:

یادم وقتی سرراه پله‌های ساختمون شهید بهشتی تهران (خوابگاهو می‌گم نمی‌دونم رفتید یا نه) دکتر رو برای اولین و آخرین بار تو عمرمون با بچه‌ها دیدیم آنچنان هول شده بودیم که نمی‌دونستیم راجع چی با دکتر صحبت کنیم (همون دیدار سرپایی فرزنانگان بروجرد که مجله شماره ۵۹ چاپ کرده بود) صبح وقتی فهمیدیم دکتر اومدن ساختمون شهید بهشتی ۴ طبقه رو با بچه‌ها از پله‌ها دُویدیم تا دم در اتاق دکتر رو پیدا کردیم یه سلام و احوال پرسی کوتاه و شروع کردیم از مشکلات مدرسه گفتن از کمبودها از نارضایتی‌ها یادمون رفت همون جا از دکتر تشکر کنیم، به خاطر ساخت این کشتی بزرگ (رجوع شود به مجله ۶۳ از گفته‌های خودشون) یه موقع به خودمون اومدیم دیدیم به‌به با چه سرو وضعی در مقابل رئیس بزرگ سمپادا! ایستاده بودیم همه با دمیایی قیافه‌های نامرتب دیگه خودتون تصور کنید

والان ۲ ساله داریم غصه می‌خوریم که چرا همون جا یه عکس یادگاری با دکتر نگرفتیم، که حداقل این پدر سمپاد رو به هم نشون بدیم (یه پیشنهاد: میگم دکتر یه عکس بزرگ از خودتون برای همه‌مرکز بفرستین تا بچه‌ها بدونن بابای سمپاد کیه!).

حالا همه‌اون روزهای قشنگ شمارش معکوسشونو شروع کردن و در جهتی حرکت می‌کنن که ما سمپادک عزیمونو ترک کنیم، با تمام خاطرات تلخ و شیرینش ولی اینو مطمئنم هیچ وقت این نسل سوخته‌فرزانگان بروجرد (این صفت‌مونه چون تو این چند سال هرچی بلا بوده سرما اومده) سمپادشو فراموش نمی‌کنه حتی اگه سمپاد چندسال دیگه حتی اسم ماها رو هم به یاد نیاره که امیدوارم اینطور نشه و من و دوستانم هر جا که باشیم همیشه یه سمپادی متعصب می‌مونیم!
در آخر می‌خوام یه نصیحت هم بگم بشنوید از این پیر سمپاد:

اینقدر غصه کمبادهای مر اکزتون رو نخورید اینقدر خودتونو با بقیه مر اکز خصوصاً پایتخت مقایسه نکنید فقط اینو بدونید که همه ما تو شهرهای خودمون از همه سرت‌ریم (این جمله از گفته‌های دکتر سر راه پله!) دکتر راست می‌گفتن من حالا می‌فهمم به همینش افتخار کنید می‌خوام به قولی ازتون بگیرم آگه مثل ما به روز به جا دکتر و دیدین به جای اینکه همش اعتراض کنید از همه چی از ش تشکر کنید به خاطر این کشتی، از جای ما هم همین طور شما الان نمی‌دونید، نمی‌دونید که ترک کردن این کشتی چقدر سخته، پس به اینکه الان به عنوان به سمپادی این متن رو می‌خونید افتخار کنید از بودتون تو این کشتی لذت ببرید.

من از طرف خودم و دوستانم فقط به چیز مونده که نگفتم:

«دکتر ممنون»

به خاطر همه چیز! به آهی هم بکشم کاش «دانشگاه سمپاد» هم بود کاش ... برامون دعا کنید. خدا حافظ.

نیلوفر-خ

فرزادگان بروجرد - پیش‌دانشگاهی ریاضی

۸۶/۱۲/۹

